مندرجات عهد جدید

Introduction to the New Testament

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org
March 24, 2007
Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیمِ موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصولِ صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمنِ وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتابِ حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهیِ کتاب‌مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.
— All Rights Reserved —

مندرجات عهد جدید

Contents

مقدمه بر عهد جدید

مقدمه بر اناجیل

انجیل متی

نکاتی در باب ملکوت آسمان

نکاتی در باب انجیل

نکاتی در باب رابطه ایمان‌داران با شریعت

نکاتی در باب طلاق و ازدواج مجدد

نکاتی در باب روزه

نکاتی در باب سبت

انجیل مرقس

انجیل لوقا

انجیل یوحنا

اعمال رسولان

نکاتی در باب دعا در کتاب اعمال

نکاتی در باب کلیسای خانگی و نهادهای شبه کلیسائی

نکاتی در باب مسیحیان و دولت

نکاتی در باب تعمید ایمان داران

نکاتی در باب خدمت ایمان داران عادی

نکاتی در باب راهبرد (استراتژی) بشارتی

نکاتی در باب استقلال داخلی کلیسای محلی

نکاتی در باب هدایت الهی

نکاتی در باب معجزات

نکاتی در باب موعظه های نامعمول

نکاتی در باب پیام کتاب اعمال

رومیان

نکاتی در باب بت پرستانی که بشارت را نشنیده اند

نکاتی در باب گناه

نکاتی در باب اقتدار الهی و مسئولیت انسان

اول قرنتیان

دوم قرنتیان

غلاطیان

نکاتی در باب قانون گرائی

افسسیان

نکاتی در باب برگزیدگی الهی

فیلپیان

کولسیان

نکاتی در باب مصالحه

نکاتی در باب خانواده مسیحی

اول تسالونیکیان

نکاتی در باب آمدن خداوند

نکاتی در باب نشانه های ایام آخر

نکاتی در باب تقدیس

دوم تسالونیکیان

نکاتی در باب ربوده شدن و مکاشفه

نکاتی در باب ربوده شدن کلیسا

مقدمه بر رسالات شبانی

اول تیموتائوس

دوم تیموتائوس

تیطس

نکاتی در باب مشایخ کلیسا

نکاتی در باب مسیحیان و این دنیا

فلیمون

عبرانیان
نکاتی در باب ارتداد
نکاتی در باب پیام نامه به عبرانیان برای امروز
اول پطرس
نکاتی در باب لباس مسیحی
نکاتی در باب تعمید
دوم پطرس
اول یوحنا
نکاتی در باب گناه منجر به مرگ
دوم یوحنا
سوم یوحنا
یهودا
مکاشفه

مقدمه بر عهد جدید

Introduction to the New Testament

"ارزش تاریخی و روحانی این نوشته‌ها نسبت به تعداد و حجم آنها خارج از هر مقیاس و معیاری است و تأثیرشان بر زندگی و تاریخ بشر فراتر از هر محاسبه‌ای است. در اینجا شاهد اوج روزی هستیم که طلوع کرده و به باغ عدن ختم می‌شود. مسیح نبوت‌های عهد عتیق، تبدیل به مسیح تاریخی اناجیل، مسیح تجربیات در رسالات و مسیح جلال در مکاشفه می‌گردد." گراهام اسکروجی

۱. عنوان "عهد جدید"

قبل از غوطه‌ور شدن در مطالعه دریاهای عمیق عهد جدید یا حتی ورود به بخش نسبتاً کوچک مطالعه یک کتاب خاص، ارائه طرح مختصری از رئوس مطالب و حقایق کلی راجع به کتاب مقدسی که آن را "عهد جدید" می‌نامیم یقیناً مفید خواهد بود.

کلمات "پیمان" و "عهد" هر دو ترجمه یک کلمه یونانی (*diathēkē*) هستند و در زبان عبری یکی دو جا هست که به سختی می‌توان گفت که کدام معادل بهتر و مناسب‌تر است. در عنوان کتب مقدس مسیحی، مفهوم "پیمان" قطعاً ارجحیت دارد زیرا این کتاب از مجموعه‌ای قرارداد، عقد و پیمان مابین خدا و قوم او تشکیل شده است.

این کتاب عهد جدید یا پیمان جدید نامیده شده تا از عهد عتیق یا پیمان قدیم متمایز شود. هر دو به الهام خدا نوشته شده‌اند و از این رو برای تمام مسیحیان سودمند هستند. اما طبیعی است که شخص ایمان‌دار به مسیح معمولاً بیشتر سراغ آن بخش از کتاب‌مقدس می‌رود که به طور خاص راجع به خداوند ما و کلیسای او و نیز آرزوی وی در مورد نحوه زندگی و رفتار شاگردانش سخن می‌گوید.

ارتباط بین عهد جدید و عهد عتیق را اگوستین قدیس این گونه به زیبائی بیان کرده است:

جدید در قدیم مستور است؛ و قدیم در جدید مکشوف.

۲. کتب بر حق عهد جدید

کلمه یونانی kanōn که در اینجا "کتب بر حق" یا "کتب قانونی" ترجمه شده بیانگر قاعده یا قانونی است که توسط آن چیزی سنجیده یا ارزیابی می‌شود. کتب برحق عهد جدید مجموعه‌ای از کتاب‌های الهامی است. چگونه می‌دانیم که اینها *تنها* کتاب‌هائی هستند که می‌بایست جزو کتب بر

حق قرار گیرند یا اینکه چگونه تمام این بیست و هفت کتاب بایستی در زمره کتب برحق باشند؟ از آنجا که نوشته‌ها و رسالات مسیحی (و نیز نوشته‌های بدعت‌گزارانه) دیگری هم از همان روزهای اول کلیسا وجود داشت، چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که کتاب‌های کنونی از اصالت و حقیقتی بی‌نظیر برخوردار هستند؟

غالباً گفته می‌شود که در اواخر قرن چهارم میلادی، یک شورای کلیسائی فهرست کتب برحق را از میان تمام کتاب‌های موجود انتخاب و تصویب نمود. در واقع این کتاب‌ها از همان موقعی که نوشته شدند برحق بودند. شاگردان دیندار و تیزبین از همان آغاز کتاب‌های الهامی را تشخیص داده و به رسمیت شناخته بودند، همچنان که پطرس بر نوشته‌های پولس مهر تأئید می‌زند (۲-پطرس۳:۱۵-۱٦). به هر حال، زمانی در بعضی کلیساها در مورد برخی کتاب‌ها (به عنوان مثال یهودا، دوم و سوم یوحنا) مخالفت‌هائی وجود داشت.

به طور کلی چنان چه کتابی توسط یکی از رسولان مانند متی، پطرس، یوحنا یا پولس یا به وسیله یکی از افراد دایره رسولان مانند مرقس یا لوقا نوشته شده بود، هیچ گونه شک و تردیدی در در خصوص برحق بودن آن وجود نداشت.

شورائی که فهرست کتب برحق امروز ما را رسماً پذیرفت و اعلام نمود، در واقع بر چیزی صحه گذاشت که سال‌های سال مورد قبول عموم مسیحیان بود. این شورا نه فهرستی الهامی از کتب بلکه فهرست کتب الهامی را استخراج کرد.

۳. نگارش

نویسنده حقیقی عهد جدبد روح‌القدس است. او متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پولس، یعقوب، پطرس، یهودا و مؤلف ناشناس نامه به عبرانیان را برای نوشتن کتب الهام بخشید. بهترین و صحیح‌ترین جواب برای سؤال مربوط به چگونگی شکل گرفتن عهد جدید، تألیف دوگانه است. نباید عهد جدید را بخشی انسانی و بخشی الهی بدانیم، بلکه کاملاً انسانی و در عین حال کاملاً الهی است. عنصر الهی باعث محافظت عنصر انسانی از ارتکاب هر گونه خطا و اشتباه گردید و نتیجه آن کتابی عاری از هر عیب و خطائی در نسخه‌های دست‌نویس اولیه شد.

قیاس مناسبی که می‌تواند ما را در فهم این موضوع یاری دهد، دو طبیعت الهی و انسانی کلام زنده، خداوند ما عیسی مسیح است. او بخشی انسانی و بخشی الهی نبود (مثل اساطیر یونان باستان) بلکه در آن واحد کاملاً انسان و کاملاً خدا است. طبیعت الهی برای طبیعت انسانی غیرممکن ساخته بود که مرتکب اشتباه یا گناه شود.

٤. تاریخ نگارش

برخلاف عهد عتیق که تقریباً هزار سال (از حدود ١٤٠٠ تا ٤٠٠ قبل از میلاد) طول کشید تا تکمیل شود، نگارش عهد جدید تنها نیم قرن (از سال ٥٠ تا ١٠٠ میلادی) به طول انجامید.

ترتیب کنونی کتاب‌های عهد جدید در بهترین حالت برای کلیسا در هر زمانی است که با زندگی مسیح شروع می‌شود، سپس از کلیسا سخن می‌گوید، در ادامه آموزشها و راهنمائی‌هائی برای کلیسا می‌آید و سرانجام آینده کلیسا و جهان را مکشوف می‌سازد. با این وصف، ترتیب قرار گرفتن این کتاب‌ها بر اساس تاریخ نگارش آنها نیست. دلیل نوشته شدن کتب احساس نیازی بود که به آنها می‌شد.

اولین کتاب‌ها، همان گونه که فیلپس در مورد رسالات می‌گوید "نامه‌هائی به کلیساهای جوان" بود. یعقوب، غلاطیان و تسالونیکیان احتمالاً اولین نوشته‌های عهد جدید هستند که تقریباً در اواسط قرن اول میلادی به رشته تحریر درآمدند. سپس اناجیل نوشته شدند، اول متی یا مرقس، سپس لوقا و در آخر یوحنا. آخر همه کتاب مکاشفه نوشته شد که تاریخ آن احتمالاً اواخر قرن اول بوده است.

٥. مندرجات

مندرجات عهد جدید را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

تاریخی

اناجیل

اعمال

رسالات

رسالات پولس

رسالات جامع

مکاشفه‌ای

مکاشفه یوحنا

شخص مسیحی که به درک شایسته‌ای از این کتاب‌ها برسد "برای هر امر نیکو کاملاً آراسته" خواهد شد.

٦. زبان

عهد جدید به زبان روزمره (*koinē* یا "یونانی عمومی") نوشته شد. این زبان در قرن اول ایمان مسیحی تقریباً دومین زبان جهانی بشمار می‌رفت و گستردگی و کاربرد آن همانند زبان انگلیسی در دوران معاصر بود.

درست همان طور که سبک پر حرارت و رنگارنگ زبان عبری با نبوت‌ها، اشعار و روایت‌های عهد عتیق کاملاً تناسب دارد، زبان یونانی نیز چون ابزاری فوق‌العاده برای بیان پیام عهد جدید، از آمادگی و توانائی برخوردار است. زبان یونانی از طریق فتوحات اسکندر کبیر مرزهای بسیاری را درنوردیده بود و سپاهیانش این زبان را برای عامه مردم، ساده و قابل فهم کرده بودند.

دقت و صراحت موجود در این زبان از جمله زمان افعال، ساختار ظاهری، فرهنگ لغات و دیگر جزئیات زبانی، آن را برای بیان آموزه‌های مهم رسالات مخصوصاً کتابی چون نامه به رومیان بسیار مطلوب ساخته بود.

زبان "یونانی عمومی" هر چند زبان ادبی نخبگان نیست اما در عین حال "زبان کوچه و بازار" یا یونانی محدود و فقیر هم نیست. بخشهای اندکی از عهد جدید مانند عبرانیان، یعقوب و دوم پطرس تا حدودی به سطح متون ادبی نزدیک هستند. همچنین برخی از متون انجیل لوقا تقریباً در زمره آثار کلاسیک زبان یونانی به شمار می‌روند و پولس نیز گاهی انشائی بسیار زیبا و ادبی دارد (به عنوان مثال اول قرنتیان باب ۱۳ و ۱۵).

۷. ترجمه

اکثر زبان‌ها و فرهنگ‌های دنیا از ترجمه‌های کتاب‌مقدس برکت یافته‌اند. این ترجمه‌ها را می‌توان در چهار مقوله طبقه‌بندی نمود:

الف) ترجمه‌های تحت‌اللفظی

این ترجمه‌ها که گاهی بسیار تحت‌اللفظی هستند برای مطالعه مفید اما برای پرستش، قرائت عمومی و حفظ کردن، ضعیف و نامناسب می‌باشند. عامه مسیحیان هرگز ترجمه‌های زیبا و ادبی را به خاطر این ترجمه‌های تحت‌اللفظی رها نمی‌کنند.

ب) معادل کامل

نسخه‌هائی که کاملاً ادبی هستند و تا آنجا که امکان دارد از الگوی زبان و ادبیات عبری و یونانی به دقت پیروی می‌کنند و هر جا نیاز باشد سبک و اصطلاحات آنها را انتقال می‌دهند. نمونه بارز این نوع ترجمه، نسخه کتاب‌مقدس کینگ جیمز در زبان انگلیسی است.

ج) معادل پویا

این نوع ترجمه از آزادی بیشتری نسبت به ترجمه معادل کامل برخوردار است و گاهی به سوی ترجمه آزاد و تفسیری میل می‌کند و چنان چه به خواننده تفهیم شود، شیوه‌های معتبری را بکار می‌برد. در این روش سعی می‌شود که تمامی افکار و دیدگاهها در ساختاری قرار گیرد که اگر یوحنا یا پولس امروز قصد نوشتن داشتند از آن ساختار استفاده می‌کردند. این روش چنان چه به صورتی اصول‌گرایانه انجام شود می‌تواند ابزار مفیدی باشد.

د) ترجمه تفسیری

ترجمه تفسیری در پی انتقال فکر از طریق فکر است و با این وجود از آزادی زیادی در افزودن نکات برخوردار می‌باشد. از آنجا که در جمله‌بندی، فاصله بسیاری با متن اصلی دارد همواره امکان این خطر هست که در دام تفسیر زیاد و افراطی بیفتد. این نوع ترجمه‌ها در حالی که برای مقاصد بشارتی مفید هستند، اما تفسیرهای سلیقه‌ای زیادی در آنها وجود دارد که اگر نگوئیم اشتباه ولی قابل بحث هستند.

برخی ترجمه‌های تفسیری از دیدگاه ادبی آثاری برجسته و قابل تحسین هستند اما معمولاً نظرات پدیدآورندگان را از زبان نویسندگان عهد جدید بیان می‌کنند.

خوب است که برای مقایسه و تقابل متون، یک کتاب‌مقدس از هر نوع داشته باشیم. به هر حال به نظر ما ترجمه معادل کامل برای مطالعه مفصل کتاب‌مقدس بهترین و مطمئن‌ترین نسخه است.

مقدمه بر اناجیل

Introduction to the Gospels

"اناجیل نوبر نوشته‌ها هستند." اوریجن

۱. اناجیل باشکوه ما

هر کسی که ادبیات را مطالعه کرده باشد با رمان، نمایش، شعر و زندگی‌نامه و نیز دیگر آثار و سبک‌های ادبی آشنا است. اما وقتی خداوند ما عیسی مسیح به زمین آمد، مقوله ادبی کاملاً جدیدی مورد نیاز بود که همان انجیل است. اناجیل هر چند شاخصه‌های زندگی‌نامه‌ای پر رنگی دارند اما زندگی‌نامه نیستند. هر چند حاوی مثل‌هائی از قبیل پسر گمشده و سامری نیکو هستند که مانند دیگر داستان‌های ادبی جالب و جذاب‌اند اما داستان نیستند. برخی از مثل‌های انجیل حتی به صورت داستان‌های بلند یا کوتاه بازنویسی شده‌اند. اناجیل گزارش‌های مستند نیستند و با این وجود حاوی روایت‌هائی دقیق اما به وضوح فشرده از گفتگوها و خطابه‌های خداوند ما هستند.

"انجیل" نه تنها مقوله ادبی منحصر به فردی است، بلکه بعد از نگارش چهار انجیل به دست متی، مرقس، لوقا و یوحنا، قالب کتب برحق شکسته شد. چهار انجیل و تنها همین چهار انجیل در این دو هزار سال تاریخ مسیحیت مورد قبول مسیحیان اصیل و اصول‌گرا بوده است. بدعت‌گزاران بسیاری اقدام به نوشتن کتاب‌هائی به نام انجیل کرده‌اند اما تمام آنها ابزارهای بیشرمانه‌ای برای ایجاد و گسترش بدعت‌هائی نظیر آئین گنوسی بوده‌اند.

اما چرا چهار انجیل وجود دارد؟ چرا پنج انجیل نداریم که با پنج کتاب موسی جور دربیاید و به این ترتیب مسیحیان نیز نوعی اسفار خمسه داشته باشند؟ یا چرا تنها یک انجیل طولانی نباشد که در آن موارد تکراری حذف و جا برای ذکر معجزات و مثل‌های بیشتر باز شده باشد؟ در واقع تلاش‌هائی به منظور "هماهنگ ساختن" یا ادغام اناجیل در هم صورت گرفته که ابتدای آن به قرن دوم میلادی می‌رسد که تاتیان اثری به نام دیاتسرون (واژه‌ای یونانی به معنی هر چهار) به وجود آورد.

ایرنائوس وجود چهار انجیل را این گونه بیان می‌کند که چهار انجیل با چهار بخش دنیا و بادهای چهارگانه تطابق دارند و عدد چهار عدد جامعیت و عمومیت است.

۲. چهار نماد

بسیاری از مردم مخصوصاً هنرمندان، تشبیه چهار انجیل به چهار نماد کتاب حزقیال و مکاشفه یعنی شیر، گاو، انسان و عقاب را پسندیده و تحسین کرده‌اند. به هر حال مسیحیان مختلف این نمادها را به شیوه‌های مختلفی با انجیل مرتبط کرده‌اند. چنان چه برای ارتباط این نمادها با اناجیل اعتباری قائل شویم، کاری که در آثار هنری به چشم می‌خورد، شیر با متی، انجیل پادشاهی شیر یهودا هماهنگی دارد؛ گاو حیوان پرتحمل و زحمت‌کش با مرقس، انجیل خادم؛ انسان یقیناً چهره کلیدی لوقا، انجیل پسر انسان است. حتی فرهنگ‌های معادل‌ها و متضادها بیانگر این هستند که عقاب نماد انجیل یوحنا به عنوان مظهر بصیرت روحانی والا می‌باشد.

۳. چهار قرائت

شاید بهترین توضیح برای وجود چهار انجیل این باشد که روح‌القدس می‌خواهد پیام بشارت انجیل را به چهار گروه مختلف مردم برساند، چهار گروهی که در دنیای باستان وجود داشت و امروزه نیز به وضوح با همتایان آنها روبرو هستیم.

همه توافق دارند که متی یهودی‌ترین انجیل است، به طوری که حتی خوانندگان مبتدی نیز نقل‌قول‌های متعدد از عهد عتیق، خطابه‌های مفصل، نسب‌نامه خداوند ما و لحن کلی سامی آن را تشخیص می‌دهند.

مرقس که احتمالاً در پایتخت امپراتوری می‌نوشت، رومیان و نیز میلیون‌ها انسانی را خطاب قرار می‌دهد که بیش از تفکر به عمل علاقه دارند. از این رو انجیل وی حاوی معجزات بسیار و مثل‌های اندک است. این انجیل نیازی به ذکر نسب‌نامه نمی‌بیند زیرا رومیان چه اهمیتی به نسب‌نامه‌های یهودیان برای خادمی فعال و پر کار می‌دادند؟

لوقا به وضوح انجیل مخصوص یونانیان و نیز رومیان بسیاری است که هنر و ادبیات یونانی را دوست می‌داشتند و از آن تقلید می‌کردند. چنین مردمانی عاشق زیبائی، کرامت انسانی، فرهنگ و ادبیات والا هستند. لوقای طبیب همه اینها را فراهم می‌سازد. شاید امروزه نزدیکترین همتایان مردم یونان باستان فرانسوی‌ها باشند. جای تعجب نیست که از زبان یک فرانسوی بشنویم که انجیل لوقا "زیباترین کتاب عالم" است (ر.ک مقدمه انجیل لوقا).

کدام گروه برای یوحنا باقی می‌ماند؟ انجیل یوحنا، انجیل جهانی است که برای هر کسی چیزی دارد. هر چند بشارتی است (۲۰:۳۰-۳۱) اما در عین حال محبوب متفکرین مسیحی نیز می‌باشد. شاید کلید موضوع این باشد که یوحنا برای "نسل سوم" است، عنوانی که بت‌پرستان به مسیحیان اولیه داده بودند، چرا که نه یهودی بودند و نه از امتها.

٤. دیگر مضامین چهارگانه

چند مضمون چهارگانه دیگر در عهد عتیق وجود دارد که به زیبائی با تأکیدات چهار انجیل مطابقت می‌کنند.

"شاخه" به عنوان لقبی برای خداوند ما در متون زیر یافت می‌شود:

"... شاخه‌ای برای داود بر پا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده ..." (ارمیا ٢٣:٥-٦)

"... بنده خود شاخه را خواهم آورد" (زکریا ٨:٣)

"مردی که به شاخه مسمی است" (زکریا ١٢:٦)

"شاخه خداوند" (اشعیا ٢:٤)

همچنین چهار "اینک" در عهد عتیق هست که دقیقاً با موضوعات اصلی انجیل مطابقت دارد:

"اینک پادشاه تو" (زکریا ٩:٩)

"اینک بنده من" (اشعیا ١:٤٢)

"اینک آن مرد" (زکریا ١٢:٦)

"اینک خدای شما" (اشعیا ٩:٤٠)

آخرین توازی هر چند وضوح کمتری دارد اما برای بسیاری باعث برکت بوده است. به نظر می‌رسد چهار رنگ وسایل داخل خیمه اجتماع نیز همراه با معانی نمادین‌شان با معرفی چهارگانه انجیل‌نگاران از خداوند ما مطابقت می‌کنند:

ارغوانی، انتخاب روشن و مناسبی برای متی، انجیل پادشاه است. داوران ٢٦:٨ خصلت پادشاهی این رنگ را نشان می‌دهد.

قرمز، در زمانهای قدیم از سائیدن نوعی کرم قرمز رنگ به دست می‌آمد و این می‌تواند معرف مرقس، انجیل خادم رنجور باشد، چنان که در مزمور می‌گوید: "من کرم هستم و انسان نی" (مزمور ٦:٢٢).

سفید، از اعمال عادلانه مقدسین سخن می‌گوید (مکاشفه ٨:١٩). لوقا بر انسانیت کامل مسیح تأکید بسیار دارد.

آبی، معرف گنبد کبود رنگی است که آن را آسمان می‌نامیم (خروج ١٠:٢٤) و نشانه‌ای زیبا از الوهیت مسیح که از نکات کلیدی انجیل یوحنا است.

٥. ترتیب و تأکید

در اناجیل می‌بینیم که وقایع همیشه به ترتیب وقوع آنها روایت نمی‌شوند. بجا است که از ابتدا بدانیم روح خدا غالباً وقایع را طبق تعلیم معنوی نهفته در آنها گروه‌بندی می‌کند. ویلیام کِلی می‌گوید:

> همان طور که جلو می‌رویم به وضوح می‌بینیم که انجیل لوقا الزاماً ترتیبی مفهومی دارد و او حقایق، گفتگوها، سؤالات، جوابها و موعظه‌های خداوند عیسی را طبق ارتباط درونی آنها طبقه‌بندی کرده است و نه صرفاً بر اساس توالی ظاهری وقایع که در حقیقت ناشیانه‌ترین و بچگانه‌ترین نوع روایت وقایع است. اما جمع‌بندی وقایع بر اساس علل و پیامدهای آنها و طبق ترتیب مفهومی‌شان، وظیفه‌ای بسیار مشکل برای مورخ است تا کار وقایع‌نگار که صرفاً روایتگر اتفاقات است. خدا می‌تواند لوقا را برای انجام شایسته این امر بکار ببرد.

این تأکیدات و روشهای متفاوت ما را یاری می‌دهد تا تنوع موجود در اناجیل را درک کنیم. در حالی که سه انجیل اول، معروف به "اناجیل نظیر" (Synoptics به معنی هم نظر بودن) در روش و برداشت خود نسبت به ندگی عیسی مشابه هستند، انجیل یوحنا در این خصوص با آنها تفاوت دارد. او انجیل خود را دیرتر نوشت و نمی‌خواست چیزی را که قبلاً به خوبی ثبت شده تکرار نماید. انجیل یوحنا زندگی و سخنان خداوند ما عیسی مسیح را با الهیات و تعمق بیشتری ارائه می‌دهد.

٦. مسئله اناجیل نظیر

با وجود این همه شباهت، تقریباً حتی در مورد بکارگیری کلمات مشابه در متون نسبتاً بلند؛ در عین حال تفاوتهای بسیاری در میان سه انجیل اول وجود دارد به نحوی که معمولاً از مبحثی تحت عنوان "مشکل اناجیل نظیر" سخن به میان می‌آید. این مسئله بیشتر برای کسانی که الهامی بودن کتب مقدس را رد می‌کنند پیش می‌آید تا مسیحیان محافظه‌کار و سنت‌گرا. فرضیه‌های پیچیده بسیاری ارائه شده که اغلب از اسناد و مدارک گمشده فرضی صحبت می‌کنند که هیچ مستندی در میان نسخ خطی برای آنها وجود ندارد. برخی از این ایده‌ها با لوقا ۱:۱ جور درمی‌آیند و از دیدگاه اصول‌گرائی ممکن به نظر می‌رسند. به هر حال بعضی از این فرضیه‌ها به جائی رسیده‌اند که می‌گویند کلیسای قرن اول "افسانه‌هائی" راجع به عیسی مسیح را به هم بافته است. دیدگاههائی که این تئوری‌های به اصطلاح "نقادی شکل" ارائه می‌دهند جدا از اینکه بر ضد تمام کتب مقدس مسیحی و تاریخ کلیسا هستند، باید به این نکته اشاره نمود که هیچ دلیل مستندی برای آنها وجود ندارد. به علاوه نمی‌توان دو محقق را یافت که در مورد نحوه دسته‌بندی یا جدا نمودن اناجیل نظیر با هم توافق داشته باشند.

بهترین راه حل برای این مسئله در سخنان خداوند ما در یوحنا ٢٦:١٤ یافت می‌شود: "لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه را به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد."

این موضوع توجه ما را به خاطرات شاهدان عینی، متی و یوحنا جلب می‌کند و نیز احتمالاً مرقس، با این فرض که وی همان طور که تاریخ کلیسا می‌گوید خاطرات و موعظه‌های پطرس را ثبت کرده

است. علاوه بر این کمک بی‌واسطه روح‌القدس در نگارش اسناد مکتوب که در لوقا ۱:۱ ذکر شده، دقت مردمان سامی در بازگوئی روایات شفاهی کم‌نظیر است و همین امر ما را در یافتن جواب مسئله اناجیل نظیر یاری می‌دهد. هر گونه حقیقت، نکته جزئی یا تفسیر ضروری که در ورای این منابع باشد می‌تواند در مکاشفه مستقیم "(در کلامی) که روح‌القدس تعلیم می‌دهد" آشکار گردد (اول قرنتیان ۱۳:۲).

بنابراین وقتی با تناقض یا تفاوتی آشکار در جزئیات روبرو می‌شویم بهتر است از خود بپرسیم "چرا این انجیل این واقعه یا سخن را نادیده گرفته، ذکر کرده یا بر آن تأکید نموده است؟" به عنوان مثال متی روایت شفای دو نفر (از نابینائی و از روح پلید) را جداگانه ذکر نموده، در حالی که مرقس و لوقا هر دو شفا را در مورد یک نفر روایت کرده‌اند. بعضی از منتقدان این موضوع را تناقض می‌دانند. بهتر است به مسئله این طور نگاه کنیم که متی چون انجیل خود را برای یهودیان می‌نوشت از هر دو نفر یاد کرده چرا که طبق شریعت "شهادت دو یا سه نفر" ضروری است، در حالی که برای مثال دو انجیل دیگر نام شخص شفا یافته (بارتیمائوس کور) را ذکر می‌کنند.

آیات منتخب زیر نشان می‌دهند که چگونه بعضی از روایات تکراری در اناجیل، حاوی تفاوت‌های مهمی هستند:

لوقا ٦:٢٠–٢٣ ظاهراً تکرار موعظه روی کوه در انجیل متی است، اما در حقیقت محل این واقعه نه بر کوه بلکه در دشت بوده است (لوقا ١٧:٦). خوشا به حال‌ها در متی بیانگر شخصیت شهروند ایده‌آل ملکوت هستند، در حالی که لوقا روش زندگی شاگردان مسیح را بیان می‌کند. لوقا ٤٠:٦ در ظاهر شبیه متی ٢٤:١٠ است. اما در متی، عیسی به عنوان استاد و ما چون شاگردان او معرفی شده‌ایم. در لوقا، تعلیم دهنده استاد است و کسی که از او تعلیم می‌گیرد شاگرد می‌باشد. متی ٢٢:٧ بر خدمت به پادشاه تأکید می‌کند، در حالی که لوقا ٢٥:١٣–٢٧ از مشارکت با استاد سخن می‌گوید.

در حالی که لوقا ٤:١٥–٧ جواب اتهام سنگین فریسیان است، متی ١٢:١٨–١٣ از فرزندان و محبت خدا به آنها سخن می‌گوید.

وقتی تنها ایمان‌داران حضور داشتند، یحیی می‌گوید: "او شما را به روح‌القدس تعمید خواهد داد" (مرقس ٨:١؛ یوحنا ٣٣:١)، اما هنگامی که جمعیتی زیاد از جمله فریسیان بودند این طور می‌گوید: "او شما را به روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد" (تعمید داوری؛ متی ١١:٣؛ لوقا ١٦:٣).

عبارت "به همان پیمانه‌ای که می‌پیمائید..." در متی ٢:٧ به دیدگاه داوری کننده ما نسبت به دیگران اشاره می‌کند، در مرقس ٢٤:٤ به درک ما از کلام، و در لوقا ٣٨:٦ به سخاوت و بخشندگی ما.

پس این تفاوتها نه تناقض، بلکه عمدی و هدفمند هستند و غذای روحانی برای ایمان‌داران عمیق به جهت تعمق و تفکر را فراهم می‌سازند.

۷. نگارش و تألیف کتب

در بحث اینکه چه کسانی اناجیل را نوشته‌اند، تقسیم کردن شواهد و مدارک به دو گروه شواهد بیرونی و درونی کاری بسیار معمول و متعارف است و این موضوع در خصوص تمام نوشته‌های کتاب‌مقدس مصداق دارد. در فصول مربوط به تمامی بیست و هفت کتاب عهد جدید همین کار را نیز می‌کنیم. در بخشی که تحت عنوان شواهد خارجی ارائه می‌شود، به نویسندگان معاصر دوران نگارش کتاب و کلاً به "پدران کلیسا" در قرون دوم و سوم و نیز برخی بدعتگزاران یا معلمان دروغین اشاره می‌گردد. در آثار این افراد نقل قولها، اشارات و گاهی مطالبی خاص درباره کتابها و نویسندگان آنها به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، چنانچه کلمنت اهل روم که تقریباً در اواخر قرن اول می‌زیست نقل قولی از اول قرنتیان کرده باشد یقیناً این کتاب نمی‌تواند اثری جعلی متعلق به قرن دوم و تحت نام پولس باشد. در بخش مربوط به شواهد درونی، به سبک، واژگان، تاریخ و محتوای کتاب توجه می‌کنیم که ببینیم آیا این عوامل با شواهد خارجی یا ادعای نویسندگان دیگر مطابقت دارد یا آنها را نقض می‌کند. مثلاً سبک انجیل لوقا و اعمال رسولان مؤید این دیدگاه است که نویسنده، پزشک فرهیخته غیر یهودی بوده است. در بسیاری کتابها فهرست کتب مورد قبول مارسیون، بدعتگزار قرن دوم ذکر شده است. او تنها نسخه‌ای کوتاه از انجیل لوقا و ده رساله از رسالات پولس را قبول داشت، اما با این وجود وی شاهد مفیدی بر این نکته است که کدام کتابها در زمان او معیار و مورد پذیرش بوده‌اند. فهرست موراتوری (برگرفته از نام کاردینالی ایتالیائی که اسناد مذکور را یافت) فهرستی اصیل و حقیقی از کتب قانونی و برحق مسیحی است، هر چند این اسناد به صورت کامل یافت نشده‌اند.